

دکتر اردشیر امیرارجمند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کنفرانس ملل متحد راجع به ذخایر ماهیهای
دوکاشانه ای و ماهیهای مهاجر دور و
موافقتنامه اوت ۱۹۹۵ نیویورک

پیشینه تاریخی

در خلال سومین کنفرانس حقوق بین الملل حقوق دریاها که منجر به تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها گردید، دولتهای ساحلی، خصوصاً آن دسته از کشورهای جهان سوم که در نزدیکی سواحل آنها منابع آبی غنی یافت می شد برای حفاظت از این سرمایه ملی و کوتاه نمودن دست قدرتهای بزرگ دریایی از این منابع، خواستار گسترش حاکمیت و صلاحیت خود بر مناطق وسیع تری از دریای مجاور سواحل خود شدند.^۱ این گرایش منجر به ایجاد مناطق اقتصادی انحصاری و شناسایی این مفهوم جدید حقوقی به عنوان قاعده عرفی حقوق بین الملل و نهایتاً اختصاص بخشی از کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به آن گردید. اما دولتهای ساحلی به زودی متوجه گردیدند که ایجاد مناطق اقتصادی انحصاری به تنهایی نمی تواند اهداف آنها در مورد حفاظت و بهره برداری پایدار از برخی منابع آبی یعنی ماهیهای دوکاشانه ای (Straddling Fish Stocks) و

۱. نک:

R.J. Dupuy, "La mer sous compétence nationale", C.A. Fleischer, "La pêche", in "Traité du nouveau droit de la mer", Paris, 1985, pp. 242 et sui, 879 et sui.

ماهیهای مهاجر دور (Highly Migratory Fish Stocks) را تأمین نماید. و شاید ذخایر این گونه ماهیها بعد از ایجاد مناطق انحصاری اقتصادی و ممنوعیت صید برای ناوگانهای بزرگ دریایی دول دیگر در این مناطق و اجبار این ناوگانهای صیادی به تمرکز فعالیت خود در آبهای آزاد، خصوصاً مناطقی از دریا آزاد که مجاور مناطق انحصاری اقتصادی بود، بیشتر در معرض خطر قرار گرفت. البته علت دیگری که ذخایر این گونه ماهیها را در معرض خطر جدی قرار داده و موجب افت میزان صید جهانی از اواخر دهه ۱۹۸۰ گردید، تمایل کشورهای جهان سوم به سرمایه گذاریهای قابل توجه و گاه غیرواقعی بینانه در بخش شیلات بود که از نظر اقتصادی موجب ترویج صید بی رویه می گردید.

نگرانیهای کشورهای ساحلی از خطر جدی که نسل ماهیهای مهاجر دور و دوکاشانه ای را تهدید می کند و تلاشهای آنها در سطح بین المللی برای یافتن راه حلی برای مقابله با آن، زمینه طرح مسأله ضرورت حفاظت از ذخایر این گونه ماهیها را در جریان کنوانسیون ۱۹۹۲ ریو در مورد حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار فراهم نمود. بند C بخش ۱۷ طرح اجرایی کنفرانس ریو برای قرن ۲۱ (Agenda 21) به استفاده پایدار و حفاظت از منابع آبرزی دریای آزاد اختصاص یافته است. در این بخش از طرح به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد می گردد که برای حسن اجرای عملی و موثر تدابیر مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در خصوص صید در دریای آزاد و حفاظت از ذخایر ماهیهای مهاجر دور و دوکاشانه ای، چگونگی و راههای عملی توسعه همکاریهای بین المللی جهانی و منطقه ای در خصوص صید، یک کنفرانس بین المللی تشکیل دهد. بنابه دعوت مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۱ اولین اجلاس این کنفرانس در ۱۹ آوریل ۱۹۹۳ در نیویورک آغاز بکار کرد^۲ و تا ژوئیه ۱۹۹۵ جمعاً شش اجلاس تشکیل گردید.

۲. قطنامه ۲۷/۱۹۲ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲.

۳. زک:

L. LUCCHINI, "Stocks chevauchants et grands migrateurs", pp. 6 et s.

(مترجم: سخنرانی در کنفرانس سازمان ملل متحد در مارس ۱۹۹۴ در قطر).

با اعلام مواضع و دیدگاه دولتها در خلال این اجلاسها معلوم شد که بین کشورهای ساحلی و کشورهای دارای ناوگانهای صید صنعتی بزرگ در نحوه برخورد با مسأله، اختلاف نظر اساسی وجود دارد. هر دو طرف معتقد به ضرورت حفاظت و حمایت از منابع ماهیهای دوکاشانه‌ای و مهاجر دور بودند ولی گروه اول معتقد بود، در مناطقی از دریای آزاد که در مجاورت منطقه انحصاری اقتصادی می باشد دارای حق ترجیحی برای حفاظت و حراست از منابع آبی مذکور بوده و به این عنوان اصولاً می تواند براساس مقررات بین المللی با صید بی رویه ناوگانهای بزرگ صیادی مقابله نموده یا آن را کنترل نماید. در صورتی که کشورهای گروه دوم حق ترجیحی برای کشور ساحلی در دریای آزاد قائل نبوده و معتقد بودند که ضمانت اجرای مقررات نه به عهده دولت ساحلی بلکه به عهده دولت صاحب پرچم است.

نهایتاً رئیس کنفرانس براساس پیشنهادهای مختلف، طرحی را تهیه نمود که این طرح در اجلاس ششم کنفرانس مورد بررسی و حک و اصلاح قرار گرفت و متن «موافقتنامه اجرای مقررات کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ در مورد حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیهای که در مناطق اقتصادی انحصاری و ورای این مناطق تردد می کنند (ذخایر دوکاشانه‌ای) و «ماهیهای مهاجر دور» مشتمل بر ۵۰ ماده و دو ضمیمه به تصویب کنفرانس رسید.^۲ این موافقتنامه از تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۹۵ برای امضاء مفتوح گردیده است که به صورت اجمالی به بررسی مفاد آن می پردازیم.

بررسی اجمالی مفاد موافقتنامه

این موافقتنامه مشتمل بر یک مقدمه در ده بند، ۵۰ ماده در ۱۳ بخش و دو ضمیمه می باشد. در اینجا پس از بررسی مقدمه موافقتنامه به ترتیب اهداف، قلمرو اجرایی و رابطه موافقتنامه با کنوانسیون - حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیهای دوکاشانه‌ای و مهاجر دور - اختیارات دولت

۲. متن موافقتنامه به زبان فرانسه در:

ساحلی- حقوق و تکالیف دولت صاحب پرچم- تدابیر متخذه از جانب دولت صاحب بندر و مکانیزمهای همکاریهای بین المللی را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- مقدمه

پس از یادآوری مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، ضرورت حفاظت از ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر دور، درخواست از دولتهای صاحب پرچم، بندر و ساحلی در اجرای موثر تدابیر حفاظتی و مدیریت ذخایر این ماهیها، این مقدمه در بند ۵ خود به علایق دولتها به حل مشکلات اصلی که در بند ۲ بخش ۱۷ طرح اجرایی کنفرانس ریو (ازاندا ۲۱) شناسایی شده اشاره می کند. اهم این مشکلات در خصوص عدم مدیریت صحیح استحصال منابع آبی در دریای آزاد و صید بی رویه عبارتند از: ۱- صید بی رویه و فقدان مقررات صید ۲- افزایش بیش از حد ظرفیت ناوگانهای صیادی بزرگ مجهز به ابزار و ادوات پیشرفته صیادی ۳- تغییر پرچم (استفاده از پرچم مصلحتی) برای فرار از مقررات دولت صاحب پرچم در مقابله با صید بی رویه ۴- استفاده از ابزار صید نامناسب (یعنی ابزاری که موجب صید ضمنی زیاد و ضایع شدن آنها می گردد). صید ضمنی به صیدی گفته می شود که منظور نظر نبوده ولی همراه با صید اصلی و احتمالاً به علت نامناسب بودن ابزار صید از آب خارج می گردد). ۵- کمبود و عدم اطمینان به اطلاعات و داده های مربوط به آبریان ۶- عدم همکاری کافی بین دولتها.

۲- هدف، قلمرو اجرایی و رابطه موافقتنامه با کنوانسیون ۱۹۸۲

هدف از این موافقتنامه تضمین حفاظت درازمدت و استحصال پایدار از ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر بزرگ از طریق اجرای موثر مقررات و ترتیبات مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ می باشد.

قلمرو اجرای این موافقتنامه، حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر دور در مناطق خارج از صلاحیت ملی دولتها- به جز

مواد ۶ و ۷ که در مورد حفاظت و مدیریت این ذخایر در مناطق تحت صلاحیت ملی نیز اعمال می شود. است.

هیچ یک از مقررات این موافقتنامه به حقوق و صلاحیتها و تعهدات دولتها ناشی از کنوانسیون ۱۹۸۲ آسیب نرسانده و مقررات این موافقتنامه در چهارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ و هماهنگ با آن قابل تفسیر و اعمال می باشد. بنابراین همان طور که قطعنامه مجمع عمومی تأکید دارد بین کنوانسیون ۱۹۸۲ و موافقتنامه ۱۹۹۵ هیچ گونه تضادی نمی تواند وجود داشته باشد. در واقع، این موافقتنامه نحوه اجرای مقررات کنوانسیون را مشخص و معین می نماید.

۳- حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیهای دوکشانه‌ای و ذخایر ماهیهای مهاجر دور

به منظور حفاظت و مدیریت ذخایر این ماهیها دولتهای ذی نفع (دولتهای ساحلی و دولتهایی که اتباع آنها در دریای آزاد به صید مبادرت می نمایند) برای ایفای «تعهد به همکاری» که کنوانسیون ۱۹۸۲ برای آن ایجاد می نماید اقدامات ذیل را انجام می دهند:

۱. اتخاذ تدابیر لازم برای تضمین پایداری ذخایر این ماهیها در درازمدت با ترویج بهره برداری «مطلوب» (optimal)
۲. نظارت بر اینکه تدابیر متخذه مبتنی بر داده های عملی مفید باشد.

۳. اعمال تدابیر حزم و احتیاط به ترتیب مقرر در ماده ۶
۴. ارزیابی تأثیرات صید خصوصاً در مورد گونه هایی که بیشتر مورد توجه می باشند.

۵. کاهش آلودگی به حداقل ممکن
۶. حراست از تنوع بیولوژیکی منابع دریایی
۷. تلاش برای توقف صید بی رویه و خارج از ظرفیت
۸. در نظر گرفتن منافع صیادان سنتی

- ۹- جمع‌آوری و تلفیق داده‌های مکمل در فرصت زمانی مناسب، خصوصاً در مورد مکان ناوگانهای صیادی و گونه‌های صید شده
 - ۱۰- ترویج و تشویق تحقیقات علمی
 - ۱۱- اعمال تدابیر حفاظتی و مدیریت منابع و کنترل رعایت آنها از طریق ایجاد روشهای مؤثر نظارت و کنترل.
- ماده ۶ موافقتنامه به اعمال تدابیر حزم و احتیاط در حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیها اختصاص یافته است. به موجب این ماده دولتها وسیعاً «تدابیر حزم و احتیاط برای حفاظت و مدیریت از ذخایر» را به منظور حفاظت از منابع بیولوژیک و حراست از محیط دریایی اعمال می‌نمایند. در این راستا، دولتها باید با توجه به اینکه داده‌ها چندان دقیق نبوده و از اعتبار کافی برخوردار نیستند حداکثر احتیاط را به خرج دهند. اما به هر صورت ضعف داده‌های علمی نباید بهانه‌ای برای عدم اتخاذ تدابیر مؤثر باشد.
- دولتها برای به اجرا گذاردن حزم و احتیاط، تدابیر ذیل را اتخاذ می‌نمایند.
- ۱- تقویت و بهبود تصمیم‌گیری در زمینه حفاظت و مدیریت منابع دریایی با جمع‌آوری و تلفیق مفیدترین اطلاعات علمی که در اختیار دارند و اعمال پیشرفته‌ترین فنون برای مقابله با عدم قطعیت‌های علمی
 - ۲- اعمال راه‌بردهای مندرج در ضمیمه ۲
 - ۳- ملحوظ داشتن عدم قطعیت داده‌ها در خصوص اهمیت عددی و کمی ذخایر، دوره تجدید آنها، شرایط اقیانوسی، زیست محیطی و اقتصادی و اجتماعی موجود و پیش‌بینی شده.
 - ۴- طرح ریزی برنامه‌های جمع‌آوری داده‌ها و تحقیقات برای ارزیابی
 - ۵- وقتی وضعیت ذخایر نگران‌کننده شوند، تدابیر حفاظتی باید تقویت گردد.
 - ۶- وقتی گونه جدیدی صید می‌گردد، تا جمع‌آوری اطلاعات کافی تدابیر احتیاطی رعایت خواهد شد.
 - ۷- تأثیرات صید بر گونه‌هایی که هدف اصلی نیستند.

۸. اگر پدیده‌های طبیعی دارای آثار مضر قابل توجه بر وضعیت ذخایر ماهیهای دوکاشانه‌ای یا مهاجر دور باشند، دولتهای ساحلی ذریبط و دولتهایی که در دریای آزاد صید می‌نمایند فوراً اقدامات لازم را برای جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع اتخاذ خواهند نمود.

۴- اختیارات دولت ساحلی

اصولاً، دولت ساحلی دارای هیچ حق یا امتیاز خاصی در آبهای ماورای منطقه اقتصادی انحصاری خود نمی‌باشد. این دولت می‌تواند مثل سایر دولتها، با تکالیف و تعهدات یکسان، در آبهای آزاد به صید پردازد.

البته کنوانسیون ژنو ۱۹۵۸ در مورد ماهیگیری و حفاظت از منابع بیولوژیکی دریای آزادی، برای دولت ساحلی جایگاه و امتیاز خاصی قائل می‌گردد. هرچند به موجب این کنوانسیون تدابیر حفاظتی متخذه توسط یک دولت تنها برای اتباع همان کشور لازم‌الاتباع است، اما ماده ۷ این کنوانسیون این حق را برای دولت ساحلی می‌شناسد که تدابیری اتخاذ نماید که موقتاً برای کلیه دولتهای عضو کنوانسیون لازم‌الاتباع باشد.

کنوانسیون ژنو و ماده ۷ آن نسبت به دولتهای غیرعضو اثری ندارد و به نظر نمی‌رسد که در حقوق عرفی قبل از کنوانسیون ۱۹۸۲ نیز بتوان چنین حقی را برای یک دولت ساحلی در وضع مقررات یک جانبه حتی به صورت موقت قائل شد.^۶ به هر حال اگر چنین حقی وجود داشته باشد، تدابیر متخذه باید همان طور که بند ۳ ماده ۱۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ مقرر می‌دارد بدون تبعیض نسبت به اتباع کلیه کشورها اعمال شود.

در طول کنفرانس سوم حقوق دریاها، دولتهای ساحلی مدعی حقوق ترجیحی در مورد ذخایر و صید ماهیهای واقع در مجاورت منطقه اقتصادی انحصاری خود در دریای آزاد بودند. ادعای این دسته از دولتها بر ملاحظات زیست محیطی و بیولوژیکی و وابستگی ذخایر ماهیهای مهاجر دور و دوکاشانه‌ای به سرزمین دولت ساحلی، خصوصاً منابع طبیعی و گیاهی فلات قاره آن استوار بود. این وابستگی درخصوص ماهیهای Anadrome

6. Lucchini, op. cit, p. 20.

مثل ماهی آزاد که تخم گذاری آنها در رودخانه صورت می گیرد، بیشتر و مشخص تر است.

ملاحظات فوق باعث شد که در کنوانسیون ۱۹۸۲ برای دولت ساحلی در حفاظت از ذخایر ماهیها در دریای آزاد حقوقی قائل گردند. ماده ۱۱۶ کنوانسیون اعلام می دارد که دولتهایی که در دریای آزاد صید می نمایند باید حقوق و تکالیف و همچنین منافع دولتهای ساحلی را، از جمله به ترتیبی که در بند ۲ ماده ۶۳ و مواد ۶۴ تا ۶۷ آمده، رعایت نمایند. بدین ترتیب کنوانسیون از شناختن حقوق ترجیحی برای دولت ساحلی خودداری ولی صراحتاً حقوقی را برای آنها می شناسد. اما به موجب بند ۲ ماده ۶۳، صید ذخایر مشترک بین منطقه اقتصادی انحصاری و منطقه مجاور آن در دریای آزاد از طرف دولتهای دیگر موکول به توافق با دولت ساحلی برای حفاظت از این ذخایر می باشد.^۷ همچنین مواد ۶۶ و ۶۷ در مورد ماهیان Catadrome, Anadrome نیز می توانند مبنای حقوقی برای شناسایی حقوق ویژه برای برخی دولتها باشند.

پس از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ دولتهای ساحلی با تفسیر وسیع از بند ۲ ماده ۶۳، در حفاظت از ذخایر ماهیهای دو کاشانه ای و مهاجر دور برای خود حقوق ترجیحی قائل گردیده^۸ و حتی برخی از کشورها با وضع قوانین خاص در صدد اعمال این حقوق ترجیحی برآمدند. از جمله می توان از مقررات وضع شده توسط شیلی و کانادا نام برد که در مورد اخیر منجر به درگیری بین ناوگان کانادا و کشتیهای اسپانیا و سپس ایجاد بحران بین کانادا و اتحادیه اروپا شد.

به نظر می رسد که ماده ۲۱ موافقتنامه تحت عنوان همکاریهای منطقه ای از بخش ششم آن (رعایت مقررات و مجازات تخلفات) تا حدودی خواست دولتهای ساحلی را تأمین و تفسیر موسع از بند ۲ ماده ۶۳ را تقویت نماید. به موجب بند ۱ ماده ۲۱ موافقتنامه در بخشهایی از دریای آزاد که تحت پوشش یک سازمان منطقه ای صید است، هر دولت عضو می تواند از

۷. نک:

M. Dahmani, "The Fisheries Regime of the EEZ", MNP, Dordrecht, 1987, pp. 34 et s.
8. Lucchini, op. cit., p. 7. et s.

طریق بازرسان ذیصلاح خود کشتیهای ماهیگیری حامل پرچم هر دولت دیگر عضو موافقتنامه را خواه عضو سازمان منطقه ای باشد یا غیر آن، جهت حصول اطمینان از رعایت مقررات مربوط به حفاظت و مدیریت ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر دور مورد تفتیش و بازبینی قرار دهد. به موجب بند ۲ ماده ۲۱، این بازرسی تابع مقررات و تشریفات است که توسط سازمان منطقه ای صید ذیصلاح تنظیم می شود. البته اگر در ظرف دو سال از تاریخ تصویب این موافقتنامه یک سازمان منطقه ای مبادرت به تنظیم مقررات بازرسی و تفتیش ننماید، هر یک از دول عضو تا تصویب این مقررات می تواند رأساً مبادرت به تفتیش و بازرسی نماید (بند ۳ ماده ۲۱). اگر پس از بازرسی از طریق سازمان منطقه ای یا رأساً توسط خود دولت ساحلی، دلایل روشنی مبنی بر نقض مقررات حفاظت از ذخایر توسط کشتی ماهیگیری وجود داشته باشد دولتی که بازرسی را انجام داده است فوراً دولت صاحب پرچم را از تخلف احتمالی کشتی مطلع می سازد (بند ۵ ماده ۲۱) و این دولت نیز در ظرف سه روز به آن جواب داده (بند ۶ ماده ۲۱) و در اسرع وقت در خصوص واقعه تحقیق کرده و در صورت لزوم، تدابیر تنبیهی لازم را علیه کشتی اتخاذ نموده و دولت بازرسی کننده را در جریان نتیجه تحقیقات و اعمال مجازاتها قرار داده و همچنین به این دولت اجازه انجام تحقیقات را می دهد (شق a و b بند ۶ ماده ۲۱).

بند ۱۱ ماده ۲۱ تخلفات مهم و عمده را مشخص نموده است: صید بدون مجوز، صید در منطقه ممنوع، صید در زمان ممنوع، استفاده از ابزار صید ممنوع، اختفاء شواهد و دلایل که انجام تحقیقات را غیرممکن می سازد. در صورتی که کشتی مظنون به ارتکاب تخلفات مهم بوده و دولت صاحب پرچم به هر دلیلی از پاسخ دادن یا اتخاذ تدابیر لازم استنکاف نماید، بازرسان می توانند بر روی کشتی مانده و در صورت لزوم کشتی را رهیابی و آن را به نزدیکترین بندر هدایت کنند (بند ۸ ماده ۲۱). به منظور حفظ حقوق دولت صاحب پرچم و همچنین دولت بازرسی کننده، بازرسی باید طبق مقررات مندرج در ماده ۲۲ موافقتنامه صورت گیرد. بند ۱ این ماده به تکالیف دولت کنترل کننده و بند ۲ آن به تکالیف دولت

صاحب پرچم اختصاص یافته است. نکته حائز اهمیت اینکه برای تأمین نظر و اطمینان کشورهای صاحب ناوگانهای بزرگ صیادی به موجب شق ۴ بند ۱ ماده ۱۲ توسل به زور تنها در صورتی مجاز است که برای حفظ جان بازرسان یا انجام وظیفه آنها لازم باشد و به هر حال اصل تناسب در بکارگیری زور باید رعایت گردد.

۵- تکالیف دولت صاحب پرچم و اختیارات انتظامی آن در جهت رعایت مقررات

مواد ۱۸ و ۱۹ موافقتنامه در واقع آیین نامه اجرایی ماده ۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ می باشند. این دو ماده وظایف دولت صاحب پرچم را که ماده ۹۴ کنوانسیون به آن اختصاص یافته است به صورت مشخص تر و جزئی تر معین می کنند.

ماده ۱۸ به تکالیف دولت صاحب پرچم و ماده ۱۹ به رعایت مقررات و اختیارات انتظامی و وظایف دولت صاحب پرچم در صورت نقض این مقررات اختصاص یافته اند.

به موجب ماده ۱۸ دولتهایی که کشتیهای آنها در دریای آزاد به صید مبادرت می کنند باید تدابیر لازم جهت رعایت مقررات منطقه ای مربوط به حفاظت از ذخایر را اتخاذ نموده (بند ۱) و تنها در صورت مبادرت به صدور مجوز برای صید در دریای آزاد نمایند که به صورت مؤثر و مستمر بتوانند بر فعالیت کشتیهای ماهیگیری حامل پرچم خود نظارت داشته و از عهده مسؤلیتهایی که در این زمینه براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ و این موافقتنامه قبول نموده اند برآیند. این دولتها موظف خواهند بود که به ویژه تدابیر ذیل را درخصوص کشتیهای حامل پرچم خود معمول دارند.

۱. کنترل کشتیهای خود از طریق صدور پروانه صید.
۲. مشروط نمودن صدور پروانه به مواردی که ایفای تعهدات دولت صاحب پرچم در قبال طرحهای منطقه ای را ممکن سازد.
۳. غیرممکن نمودن صید بدون پروانه یا در غیر موارد و شرایط مذکور در پروانه

۴. الزام کشتیها به داشتن پروانه صید و ارائه آن در صورت بازرسی برطبق ضوابط
۵. مراقبت و نظارت بر اینکه کشتیها در منطقه تحت صلاحیت ملی کشورهای دیگر به صید غیرمجاز مبادرت ننمایند.
۶. داشتن دفترثبت ملی کشتیهای مجاز برای صید در دریای آزاد و ارائه این دفتر به کشورهایی که درخواست ارجاع به آن را می کنند.
۷. وضع مقررات برای علامت گذاری کشتیها و ابزار صید به منظور فراهم آوردن امکان شناسایی آنها.
۸. وضع مقررات برای داشتن و ارسال دفتر ثبتی که در آن وضعیت جغرافیایی کشتی، میزان صید و دیگر اطلاعات لازم برطبق مقررات منطقه ای قید شده باشد.
۹. کنترل و نظارت بر فعالیتهای کشتیها از طریق:
 ۱. اعمال مکانیزمها و روشهای بازرسی ملی و منطقه ای که امکان انجام وظیفه بازرسان ذیصلاح را فراهم نماید.
 ۲. کاربست برنامه های نظارت ملی و منطقه ای که کشتیها را مجبور نماید به ناظران ذیصلاح اجازه ورود دهند.
 ۳. تهیه و کاربست برنامه های ملی و منطقه ای برای مراقبت و تحت نظر داشتن کشتیها از طریق سیستمهای مناسب از جمله ساتلایت.
 ۴. وضع مقررات جهت انتقال از کشتی به کشتی محصولات صیادی در دریای آزاد.
 ۵. وضع مقررات صیادی در سطح ملی برای تضمین رعایت تدابیر منطقه ای
 ۶. هنگامی که یک سیستم منطقه ای کنترل و مراقبت وجود دارد، دولتها مراقبت می نمایند تا تدابیری که آنها برای کشتیهای حامل پرچم خود وضع می نمایند با تدابیر منطقه ای مطابقت داشته باشند.
- ماده ۱۹ موافقتنامه وظایف دولت صاحب پرچم در صورت نقض مقررات صیادی را مشخص می نماید.
- به موجب بند ۱ این ماده، هر دولت عضو مراقبت می نماید که

کشتیهای حامل پرچم آن، مقررات منطقه ای در خصوص حفاظت از ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر دور را رعایت کند و بدین منظور دولت مذکور:

۱. تخلف در هر مکانی که صورت گرفته باشد، کشتیها را ملزم به رعایت مقررات می نماید
 ۲. در صورت تخلف از مقررات، فوراً اقدام به انجام تحقیقات عمیقی می نماید که می تواند منجر به بازرسی مادی کشتیهای مظنون گردد و همچنین در اسرع وقت نتیجه تحقیقات را به دولت شاکی گزارش می کند.
 ۳. کلیه کشتیهای حامل پرچم خود را ملزم می نماید که اطلاعات مربوط به موقعیت جغرافیایی، صید، ابزار صید را در اختیار مقامات ذیصلاح تحقیق قرار دهند.
 ۴. اگر دلایل قانع کننده ای مبنی بر صحت تخلف استنادی در اختیار داشته باشد، فوراً مقامات ذیصلاح ملی را مأمور تعقیب تخلف براساس مقررات ملی نموده و کشتی را توقیف نماید.
 ۵. مراقبت می نماید که اگر یک کشتی مرتکب تخلفات مهم و عمده گردیده است تا هنگامی که کلیه مجازاتهای مقرر در خصوص آن کشتی اعمال نشده دوباره به صید در دریای آزاد نپردازد.
- به موجب بند ۲ ماده ۱۹، کلیه تحقیقات و اقدامات قضایی باید در اسرع وقت صورت گیرد. مجازاتهای مقرر برای تخلفات باید از شدت کافی برای پیشگیری از تکرار جرم برخوردار بوده و احتمالاً مجوز ناخدای کشتی ابطال یا مسترد گردیده و یا حتی ناخدای کشتی از انجام این شغل ممنوع گردد.

۶- تدابیر متخذ از جانب دولت صاحب بندر

ماده ۲۳ موافقتنامه به تدابیری که دولت صاحب بندر باید اتخاذ نماید اختصاص یافته این ماده در واقع ملهم از ماده ۲۱۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ می باشد که در خصوص اختیارات دولت صاحب بندر در برابر کشتیهایی است که مقررات مربوط به آلودگی دریاها را نقض می نماید. به

موجب بند ۱ ماده ۲۳، اتخاذ تدابیر منطبق با حقوق بین الملل برای تضمین اجرای مؤثر مقررات منطقه ای و جهانی در رابطه با حفاظت و مدیریت ذخایر از جمله حقوق و تکالیف دولت صاحب بندر است و در اتخاذ چنین تدابیری دولت صاحب بندر باید اصل عدم تبعیض را رعایت نماید. بدین منظور دولت صاحب پرچم می تواند به ویژه اسناد و مدارک کشتی، ابزار صید و همچنین ماهیهای صید شده موجود در کشتی را در هنگامی که کشتی به میل و اراده خود و به صورت داوطلبانه به بنادر این کشور می آید کنترل نماید (بند ۲). دولت صاحب بندر می تواند مقرراتی وضع نماید که به مقامات ملی ذیصلاح اجازه دهد از تخلیه محموله کشتیهایی که ثابت شده است به صید غیر مجاز مبادرت کرده اند جلوگیری نمایند (بند ۳).

۷- مکانیزمهای همکاریهای بین المللی برای حفاظت از ذخایر ماهیهای دو کاشانه ای و مهاجر دور و نقش عمده سازمانهای منطقه ای

به موجب ماده ۸ موافقتنامه، دولتها موظفند به صورت مستقیم یا از طریق سازمانهای منطقه ای ذیصلاح برای حفاظت از ذخایر ماهیهای دو کاشانه ای و مهاجر دور با یکدیگر همکاری نمایند. با مرور موافقتنامه کاملاً مشخص می گردد که پایه و اساس این موافقتنامه بر اقدامات و فعالیتهای سازمانها و ترتیبات منطقه ای صید ذیصلاح استوار گردیده است و این سازمانها در تحقق اهداف موافقتنامه، وظیفه اساسی و مهمی را بر عهده دارند.

بخش سوم موافقتنامه به صورت اخص به سازمانها و ترتیبات منطقه ای صید می پردازد. در اینجا ما به دو مسأله اساسی در این خصوص که از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و موضوع بحث و اختلاف نظر می باشند می پردازیم. ابتداءً مسأله عضویت در سازمانهای منطقه ای را مورد بررسی قرار داده و سپس به حدود صلاحیت و اختیارات این سازمانها می پردازیم.

- عضویت در سازمانهای منطقه‌ای

مسأله عضویت در سازمانهای منطقه‌ای از آن جهت حائز اهمیت است که به نظر می‌رسد مقررات این موافقتنامه در این خصوص با ماده ۱۱۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ در مورد حق آزادی ماهیگیری در دریای آزاد مغایر باشد و این در حالی است که - چنانکه قبلاً یادآور شدیم - مقررات این موافقتنامه اصولاً باید منطبق با کنوانسیون تفسیر گردیده و نمی‌توانند مغایر با آنها باشند.

اما این تضاد از آنجا نشأت می‌گیرد که به موجب بند ۳ ماده ۸ موافقتنامه، در مواردی که یک سازمان منطقه‌ای صید صلاحیت وضع مقررات جهت حفاظت از ذخایر ماهیهای دوکاشانه‌ای و مهاجر دور را دارد، تکلیف دولتهای ذی نفع (یعنی دولتهایی که ناوگانهای آنها به صید در این منطقه مبادرت می‌نمایند و دولتهای ساحلی) درخصوص «همکاری» از طریق عضویت در این سازمانها یا اجرای تدابیر متخذه توسط آنها تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر دولتها موظفند به عضویت این چنین سازمانهایی درآمده یا تدابیر متخذه توسط آنها را اجرا کنند. و به موجب بند ۴ ماده ۸، تنها کشتیهای حامل پرچم دولتهایی که عضو چنین سازمانها یا ترتیباتی هستند یا قبول می‌نمایند مقررات وضع شده توسط آنها را رعایت کنند، می‌توانند در آبهای آزاد آن منطقه صید نمایند، اما بند ۳ ماده ۸ عضویت در این سازمانها را محدود به دولتهایی می‌نماید که دارای منافع واقعی در امر صید در منطقه می‌باشند.

به موجب ماده ۱۱۶ کنوانسیون ۱۹۸۲، اتباع کلیه کشور به شرط رعایت تعهدات قراردادی، حقوق و منافع دولتهای ساحلی، حق صید در دریای آزاد را دارند. اما چنانکه دیده شد به موجب موافقتنامه ۱۹۹۵ اتباع برخی از کشورها از صید در دریای آزاد محروم می‌شوند و این محرومیت در شرایط کنونی خصوصاً متوجه آن دسته از کشورهای جهان سوم می‌گردد که فعالیتهای صیادی آنها در دریای آزاد به جهت فقدان امکانات مادی و علمی لازم از درجه و اهمیت کافی برای اینکه دارای منافع واقعی

صیادی به موجب موافقتنامه شناخته شوند برخوردار نمی باشد، هر چند فصل پنجم موافقتنامه وضعیت کشورهای در حال توسعه را به صورت خاص مورد توجه قرار داده و ترتیباتی را برای کمک به آنها پیش بینی کرده، اما به نظر نمی رسد این ترتیبات بتواند با توجه واقعیتهای موجود و فاصله بین دولتها در امر ماهیگیری در دریای آزاد، تا مدتی طولانی مؤثر باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه به موجب ماده ۱۷، کلیه دولتهای که عضو سازمانها یا ترتیبات منطقه ای نبوده یا در آنها شرکت نمی کنند نیز موظف به همکاری در امر حفاظت از ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر دور بوده (بند ۱) و به کشتیهای ماهیگیری حامل پرچم خود اجازه صید ذخایر مشمول مقررات حفاظتی منطقه ای را نخواهند داد (بند ۲). از مفاد این ماده چنین استنباط می شود که شرکت کنندگان در کنفرانس بر این اعتقاد حقوقی هستند که اصل همکاری در امر حفاظت از ذخایر ماهیهای دوکاشانه ای و مهاجر دور مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ و این موافقتنامه، تدوین حقوق عرفی بوده و دول غیرعضو را نیز متعهد می نماید.

- صلاحیت سازمانهای منطقه ای صید و هماهنگی بین ترتیبات متخذه از جانب این سازمانها و مقررات ناظر بر فعالیتهای صیادی در دریای آزاد.

همان طور که گفته شد یکی از خواستههای اصلی دولتهای ساحلی تسری ترتیبات و مقررات حاکم در مناطق اقتصادی انحصاری به حفاظت از ذخایر آبرزی در دریای آزاد بود. در واقع دولتهای ساحلی به نحوی خواستار گسترش صلاحیتهای خود به مناطقی از دریای آزاد بودند، در صورتی که دولتهای دارای ناوگانهای صیادی بزرگ معتقد بودند برای همگون سازی ترتیبات حفاظتی حاکم در مناطق اقتصادی انحصاری و مقررات ناظر بر فعالیتهای صیادی در دریای آزاد، مقررات حفاظتی باید توسط سازمانهای منطقه ای صید برای کل حوزه و منطقه تردد ذخایر این گونه ماهیها وضع و تنظیم شوند.

ماده ۷ موافقتنامه سعی نموده است بین این دو دیدگاه آشتی برقرار کند، هرچند به نظر می‌رسد تا حدودی دیدگاه دوم غلبه یافته است. بموجب بند ۱/۵ ماده ۷، دولتهای ساحلی ذریبط و دولتهایی که اتباع آنها به صید ماهیهای دو کاشانه‌ای در دریای آزاد در مجاورت سواحل آنها می‌پردازند کوشش می‌نمایند مستقیماً یا از طریق سازمانهای منطقه‌ای در خصوص وضع مقررات ناظر بر عملیات بهره برداری از ذخایر این گونه ماهیها (ماهیهای دو کاشانه‌ای) در دریای آزاد به توافق برسند.

بند ۱/۵ ماده ۷ با تأمین نظر کشورهای دارای ناوگانهای صیادی مقرر می‌دارد که دولتهای ذی نفع مستقیماً یا از طریق سازمانهای منطقه‌ای برای حفاظت از ذخایر ماهیهای مهاجر دور در کل محل و حوزه تردد در مناطق تحت صلاحیت ملی و خارج از آن با یکدیگر همکاری می‌نمایند. به عبارت دیگر قواعد مربوط به حفاظت ذخایر ماهیهای مهاجر دور تنها به حفاظت از آنها در دریای آزاد منحصر نمی‌شود.

به موجب بند ۲ ماده ۷ برای اینکه همگونی و همسویی بین قواعد حاکم بر منطقه اقتصادی انحصاری و دریای آزاد در خصوص حفاظت از ماهیهای مهاجر دور و ماهیهای دو کاشانه‌ای ایجاد شود دولتهای ذی نفع باید در وضع مقررات عوامل ذیل را لحاظ نمایند.

۱. ترتیبات متخذه از جانب دولت ساحلی در خصوص این ذخایر براساس ماده ۶۱ کنوانسیون ۱۹۸۲
۲. ترتیبات متخذه براساس توافقات قبلی بین دولت ساحلی و دولتهای صاحب ناوگانهای صیادی
۳. ترتیبات متخذه براساس توافقات قبلی توسط سازمانهای منطقه‌ای در خصوص این گونه ذخایر
۴. وحدت بیولوژیکی و دیگر ویژگیهای ذخایر
۵. شرایط وابستگی دولتهای ذی نفع نسبت به ذخایر
۶. مراقبت براینکه تدابیر متخذه دارای آثار زیانبار بر مجموعه منابع بیولوژیکی دریایی نباشد.

ماده ۱۰ موافقتنامه نیز به فعالیتهای سازمانهای منطقه‌ای و

اختیاراتی که دولتها می‌توانند به آنها واگذارکننده اختصاص یافته است (کسب اطلاعات علمی و ارزشیابی ذخایر - وضع معیارهای لازم برای جمع‌آوری، اشاعه، بررسی و تبادل داده‌ها درخصوص ذخایر - جمع‌آوری و اشاعه داده‌های علمی دقیق و کامل - ترویج حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ...).

نتیجه

بسیج افکار عمومی جهانی توسط سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی و حفاظت از ذخایر ماهیهای دوکاشانه‌ای و مهاجر دور، توجه به این امر در کنفرانس ریو و توصیه‌های آن و سپس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل، دولتهای صاحب ناوگانهای بزرگ دریایی را در موضعی انفعالی قرار داده است، این دولتها علی‌رغم اینکه این موافقتنامه را مطابق منافع خود نمی‌دانند و به نظر نمی‌رسد تا آینده نزدیک به امضاء و تصویب آن مبادرت نمایند ولی برای توقف صید بی‌رویه این ذخایر تحت فشار می‌باشند. نکته مهم آنکه اگر برای اصل حفاظت از ذخایر این گونه ماهیها، چنانکه در شرح ماده ۱۰ موافقتنامه گذشت، ارزش عرفی قائل شویم، به تدریج دولتهای صاحب ناوگانهای صیادی بزرگ مجبور خواهند شد با صید بی‌رویه این ذخایر از طرف کشتیهای حامل پرچم خود با جدیت بیشتری برخورد نمایند.



پښتونستان کالج علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی